## ترجمه" مفعول مطلق "

حالت نحوی مفعول مطلق در زبان عربی از نقشها یا حالاتی است که در زبان فارسی دارای ساختار مشابه نحوی نیست و از این رو نیازمند ساختاری معادل در زبان فارسی است. این حالت نحوی به ویژه پس از نفوذ زبان عربی در زبان و ادبیات فارسی وارد ساختار نحوی زبان فارسی دری شد و به صورت ساختاری مشابه و نه معادل -به خصوص در شعر فارسی - به کار رفت چنانچه در شواهد زیر می بینیم:

بخندید " خندیدن شاهوار " چنان کآمد آوازش از چاره سار (فردوسی)

نگه کرد رنجیده در من فقیه " نگه کردن عاقل" اندر سفیه ( سعدی)

تو گفتی نای رویین هر زمانی به گوش اندر دمیدی" یک دمیدن" ( منوچهری)

بجنبید " جنبیدنی با شکوه " چو از زلزله کالبدهای کوه ( نظامی)

و امروز هم مفعول مطلق در زبان فارسی مخصوصاً زبان محاوره کاربرد دارد، مانند: خندید چه خندیدنی" و " رفتیم اما چه رفتنی" و " خوردیم خوردنی حسابی"

بهترین معادل ساختاری مفعول مطلق در زبان فارسی معاصر به صورت ساخت دستوری " قید" است که به چهار شکل یا نوع به کار میرود:

۱- قید تأکید و کیفیت، مانند:« سخت، سختی، نیک، بنیکی، بشدّت، بخوبی، چنانکه باید، بدقّت، کاملاً و ...»
۲- قید تشبیه، مانند: « به سانِ، همانندِ، همچون، مثل و ...»
۳- قید مقدار یا تعداد یا تکرار، مانند: « صد، هزار، دو بار، چندین بار و ...»
۴- قید نفی، مانند:« هیچ، هرگز، اصلاً، به هیچ وجه و ..»

بدین ترتیب معادل مفعول مطلق در زبان فارسی - در یک کلمه « قید» است و هرگز شایسته نیست آن را به صورت لفظ به لفظ به فارسی ترجمه کنیم. مشابه ساختاری مفعول مطلق اگر چه ممکن است در شعر حتی به زیبایی به کار رفته باشد اما این امر دلیلی برای جواز کاربرد این روش ترجمه در نثر فارسی نیست ؛ زیرا نثر، مظهر نمود زبان معیار است و باید از هر گونه ناهنجاریهای ساختاری و حتی ساختار شعری مصون باشد.

### ۱- «ترجمه مفعول مطلق تأکیدی»

چنانکه از عنوان این نوع مفعول مطلق بر می آید مفهوم آن، صبغه تأکید دارد. تأکید را در زبان فارسی معمولاً با قید، بیان می دارند و در واقع قید، متممی است برای فعل یا شبه فعل چنانکه مفعول مطلق نیز چنین است. بنابراین چون مفعول

مطلق تأکیدی، تنها مفهوم تأکید را دارد پس معادل آن را در زبان فارسی می توانیم با قید تأکید و کیفیت و نفی نشان دهیم. این قیود از نظر لغوی و معنایی، متناسب با لغت و معنای مفعول مطلق ( مصدر) و عامل آن انتخاب می شود. مانند آیه شریفه:

... وَ یسَلِّموا تَسلیماً ( نساء، ۶۵)

کاملاً تسلیم باشند ( مکارم)

و کاملاً سر تسلیم فرود آورند ( فولادوند )

و به خوبی گردن بگذارند ( خرّمشاهی)

و براستی بر آن گردن نهند ( مجتبوی )

« تَسلیماً » مفعول مطلق تأکیدی است که با قیدهای تأکید یا کیفیت « کاملاً» و « به خوبی» و « براستی» در ترجمه های آقای مکارم، جناب فولادوند، جناب خرّمشاهی و جناب مجتبوی مشهود است.

... فَجَمَعنا هم جمعاً ( کهف، ۹۹)

و آنان را چنان که باید گرد آوردیم ( خرّمشاهی)

و در آن روز دوزخ را آشکارا به کافران بنماییم ( مجتبوی )

و ما ایشان را بگونه شگفتی ... گرد می آوریم ( خرّم دل )

پس بهم آریم ایشان را بهم آوردن ( دهلوی)

در آیه فوق « جَمعاً» مفعول مطلق تأکیدی است که با قیدهای تأکید یا کیفیت « چنانکه باید » و « آشکارا » و « به گون شگفتی» در ترجمه های جناب خرّمشاهی، جناب مجتبوی و جناب خرّم دل مشهود است؛ در حالی که جناب دهلوی با واژه مصدری « بهم آوردن»، ترجمه تحت اللفظی را ارائه داده است.

و همانند آیه شریفه: وَ لا تُبَذِّر تَبذیراً ( اسراء،۲۶)

و هرگز اسراف و تبذیر مکن.

و اسراف مکن اسراف کردنی ( دهلوی)

« تَبذیراً» مفعول مطلق تأکیدی است، آیت الله مکارم بعلت منفی بودن عبارت شریفه به زیبایی، از قید منفی «هرگز» برای ترجمه نمودن مفعول مطلق استفاده کرده است؛ در حالی که جناب دهلوی لفظ به لفظ ترجمه نموده است.

**۲– «ترجمه مفعول مطلق نوعی»**

در ارائه دستورالعملی کلی برای ترجمه مفعول مطلق نوعی، چون چگونگی و شدت و ضعف انجام فعل ( عامل) توسط یک یا چند کلمه که مفعول مطلق را مقید می کنند بیان می شود، می توان گفت که اگر این نوع مفعول مطلق، تنها به وسیله یک کلمه که یا صفت یا مضاف الیه مقید شده باشد می توان همان صفت یا مضاف الیه را به یک قید فارسی هم معنای با آن تبدیل کرد و همان قید یا مترادف های آن را در ترجمه بکار برد. که در ترجمه مفعول مطلق نوعی وصفی از قیود کیفیت و تأکید استفاده می گردد و در ترجمه مفعول مطلق نوعی اضافی از قید تشبیه مدد گرفته می شود، مانند آیه شریفه:

وَ تُحِبّونَ المالَ حُبّاً جَمّاً ( فجر، ۲۰)

و مال و ثروت را بسیار دوست دارید ( مکارم)

و مال را چه بسیار دوست می دارید ( خرّمشاهی ) و ( انصاری)

و اموال و دارایی را بسیار دوست می دارید ( خرّم دل)

و مال را دوست دارید، دوست داشتنی بسیار( فولادوند)

و مال را دوست می دارید دوست داشتنی تمام و بسیار( مجتبوی)

و دوست میدارید مال را دوست داشتن بسیار ( دهلوی)

در این آیه شریفه « حُبّاً» مفعول مطلق است و « جَمّاً» صفت آن استٰ آیت الله مکارم، جناب خرّمشاهی و جناب انصاری و جناب خرّم دل، مفعول مطلق را به درستی به صورت قید کیفیت و تأکید « بسیار» ترجمه کرده اند، در حالیکه دیگر مترجمان ترجمه ای تحت اللفظی را ارائه داده اند.

اگر مفعول مطلق نوعی اضافه باشد، بهتر است از قید تشبیه مدد گرفته شود، همانند آیه شریفه:

و تَرَی الجبالَ تَحسَبُها جامِدَةً وَ هیَ تَمُرُّ مَرَّ السّحابِ ( نمل، ۸۸)

کوه ها را می بینی، و آنها را ساکن و جامد می پنداری، در حالی که مانند ابر در حرکتند ( مکارم)

و کوه ها را می بینی (و ) می پنداری که آنها بی حرکتند و حال آنکه آن ها ابر آسا در حرکتند ( فولادوند)

و کوهها را بینی {و} آنها را ساکن انگاری، حال آنکه همانند حرکت ابر، حرکت دارد ( خرّمشاهی)

و کوهها را بینی ، پنداری که بر جای ایستاده اند و حال آنکه همچون ابر می روند.( مجتبوی)

و کوهها را بینی {و} آنها را ساکن می پنداری حال آنکه آنها چون حرکت ابر در گذرند ( انصاری)

در آیه فوق، « مَرَّ» مفعول مطلق نوعی است که « السّحابِ» مضاف الیه آن می باشد، در ترجمه آیت الله مکارم، جناب خرّمشاهی، جناب مجتبوی و جناب انصاری از قید تشبیه « مانند» و «همانند» و « همچون» و « چون» برای معادل مفعول مطلق نوعی اضافی استفاده شده است و در ترجمه فولادوند هم از قید« ابرآسا» کمک گرفته شده است که خود نوعی قید تشبیه است.

### ۳– «ترجمه مفعول مطلق عددی»

در ترجمه مفعول مطلق عددی کافی است شماره، تعداد یا تکرار وقوع فعل را به کار بریم و به تعبیر دیگر، معادل این مفعول مطلق در زبان فارسی قید مقدار یا تعداد یا تکرار است. مانند آیه شریفه:

... فَدُکَّتَا دَکَّةً واحدةً ( حاقه، ۱۴)

و یکباره در هم کوبیده و متلاشی گردند. ( مکارم)

با یک تکان ریز ریز گردند.( فولادوند)

و زمین و کوهها برداشته شده و یکباره در هم کوبیده شود( خرّمشاهی)

و زمین و کوهها { از جای} برداشته شوند و یکباره در هم شکنند (مجتبوی)

و زمین و کوهها برداشته شوند، سپس یکباره در هم کوبیده شوند ( انصاری)

« دَکَّةً» مفعول مطلق عددی است که تعداد دفعات انجام فعل را نشان می دهد، در ترجمه آیت الله مکارم، جناب خرّمشاهی، جناب مجتبوی و جناب انصاری از قید مقدار یا تعداد(یکباره ) و در ترجمه جناب فولادوند از قید مقدار یا تعداد (یک تکان)، استفاده شده است.